

بررسی زیان‌های اجتماعی دروغ در تجارت

الهام مؤیدی^۱

چکیده :

عده‌ای فکر می‌کنند که صداقت، صرفاً یک مسئله‌ی اخلاقی است و دروغ‌گویی، صرفاً یک مسئله‌ی غیراخلاقی؛ از این رو سعی دارند دروغ را در بررسی مشکلات اجتماعی به حاشیه برانند. اما صداقت و دروغ‌گویی، موضوعی کلیدی در فهم و نقد کلیه‌ی حوزه‌های اجتماعی است و نقش آن در اقتصاد و تجارت، کمتر از سرمایه و نیروی انسانی و دیگر عوامل نیست. متأسفانه دردنیای امروز، تفکر غلطی رواج یافته است که بدون دروغ نمی‌توان به منفعت رسید و این تفکر از نظر اجتماعی پیامدها و آثار بسیار منفی بر جای گذاشته است. از این رو در پژوهش حاضر به موضوع زیان‌های اجتماعی دروغ در تجارت، با هدف شناسایی انواع دروغ تجاری، و نیز پیامدهای آن در جامعه، از قبیل: فقر، تورم، بی‌اعتمادی، قاچاق انواع کالا، اختلاس، دین‌گریزی و ... به منظور جهت‌دهی صحیح مشاغل تجاری پرداخته شده است. با بررسی زیان‌ها و پیامدهایی که از راه دروغ گویی وارد جامعه می‌شود، و نیز مقایسه‌ی آن با سود ناپایداری که دارد می‌توان دریافت که فعالیت تجاری ایمن از انواع دروغ، نقش بسیار مؤثری را در پیشگیری از مفاسد اجتماعی بازی می‌کند. و در صورت عدم تجدید نظر تفکرات غلط افراد برای القای دروغ اجتماعی، به خصوص بعد تجاری، بی‌اعتمادی و ناامنی، جامعه‌ی بشری را به سمت انحطاط و نابودی خواهد برد. این پژوهش به اعتبار موضوع و ماهیت از نوع بنیادی – توصیفی بوده و به روش علمی تدوین شده است.

کلیدواژه : زیان، دروغ، تجارت، فقر

^۱ طلبه‌ی سطح ۳ حوزه علمیه‌ی ام‌الانعمه نجف‌آباد

مقدمه :

یکی از بزرگ ترین آفت های زبان، دروغ و سخن بر خلاف واقع است. دروغ بر دو گونه است: دروغ کلامی و دروغ غیرکلامی. گرچه ظهور و بروز دروغ در کلام بیشتر به چشم می آید، اما آنچه در این نوشتار مدنظر است؛ شامل هر نوع عملی که دروغ را القا کند نیز می شود. دروغ عملی، می تواند در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، تجاری و ... بروز یابد. از مواردی که دروغ را در اجتماع در بعد تجارت القا می کند عبارت است از: کم فروشی، احتکار، غش در معامله، رشوه، نجش، تبلیغات دروغ، ربا، قسم دروغ، گران فروشی و

در آموزه های اسلامی، شیوه های مؤثر سالم سازی فعالیت های تجاری و اقتصادی مطرح گردیده است، به گونه ای که توجه به آن ها می تواند نقش مهم در ایمن ماندن از مفسد اجتماعی ناشی از آن داشته باشد. زیان ها و پیامدهای دروغ در اجتماع در بعد تجارت، بسیار مخرب بوده، از جمله موجب انواع دزدی ها، سلب اعتماد مردم، فقر و فشار بر مردم، تبدیل شخصیت واقعی فرد به شخصیت ساختگی، رواج بدبینی، رسوایی، استهزاء، ناامیدی مردم و نیز ترس و .. می شود.

امروزه، بسیاری از کشورها و از جمله کشور ما با مشکلات فراوانی مانند فقر رویارویند. از این رو یکی از دغدغه های مهم عصر حاضر پیشرفت اقتصادی همراه با مقابله با فساد و نیز سالم سازی فعالیت های اقتصادی و تجاری است.

از جمله نگرش های کارآمد اسلام دوری کردن از دروغ در تمام ابعاد است که به یقین در بعد تجارت، به منظور جلوگیری از زیان ها و پیامدهای مخرب، حتمیت بیشتری پیدا می کند و از آن رو که روابط اجتماعی صادقانه، امروزه کمتر شده و یا مختل گشته است، نیاز به این اصل بیش از پیش احساس می شود .

متأسفانه تحقیق کارآمد و جامعی در مورد اینکه چرا در کسب و کار و داد و ستدها، از انواع دروغ نهی شده، سازمان نیافته و آثاری که دردسترس است، به بررسی برخی مصادیق اکل مال به باطل و دروغ در تجارت به طورمختصر پرداخته‌اند.

براین اساس ما در این نوشتار به بررسی برخی پیامدهای اجتماعی دروغ در تجارت پرداختیم که البته جای کار بسیار دارد و متذکر می‌شویم که این جستار، فقط برخی خطوط را ترسیم می‌نماید و لذا افراد متخصص می‌توانند در این زمینه، به جزئیات بیشتری بپردازند و سپس برنامه‌هایی را در این راستا تنظیم و تهیه و اجرا نمایند.

۱- کم فروشی:

کم فروشی یکی از مظاهر ظلم و فساد اقتصادی است که در قرآن و روایات نکوهش فراوان شده است؛ خداوند در سوره‌ی مطففین می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ* الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يَخْسِرُونَ*» (مطففین، آیات ۱-۳).

در این آیات قبل از هر چیز کم فروشان را مورد تهدید شدید قرار داده می‌فرماید: «وای بر کم فروشان» این در حقیقت اعلان جنگی است از ناحیه‌ی خدا به این افراد ظالم و ستمگر و کثیف که حق مردم را به طرز ناجوانمردانه‌ای پایمال می‌کنند.

مطففین از ماده‌ی «تطفیف» در اصل از «طف» گرفته شده که به معنی کناره‌های چیزی است. به پیمانه‌ای که پر نباشد، یعنی محتوایش به کناره‌های آن رسیده اما مملو نشده است، نیز همین معنی اطلاق می‌شود و بعد این واژه در کم فروشی به هر شکل و به هر صورت استعمال شده است.

قابل توجه اینکه در روایتی از امام صادق(علیه السلام) آمده که خداوند «ویل» را درباره‌ی هیچ کس در قرآن قرار نداده مگر اینکه او را کافر نام نهاده، همان گونه که می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ

كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ» وای بر کافران از مشاهده روز بزرگ. (مجلسی، ج ۹: ص ۳۳) از این

روایت استفاده می شود که کم فروشی بوی کفر می دهد!

سپس به شرح کار «مطفین» و کم فروشان پرداخته می فرماید: «آنها کسانی هستند که وقتی می خواهند برای خود کیل کنند حق خود را به طور کامل می گیرند. اما هنگامی که می خواهند برای دیگران کیل یا وزن کنند کم می گذارند و خداوند به خاطر مقایسه‌ی دو جهت «ویل» را بر آنها نهاده است.

این نکته نیز قابل توجه است که آیات فوق، گرچه تنها از کم فروشی در مورد کیل و وزن سخن می گوید، ولی بدون شک، مفهوم آیه وسیع است و هرگونه کم فروشی را هر چند در معدودات (چیزهایی را که با عدد می فروشند) نیز شامل می شود، بلکه بعید نیست با استفاده از الغای خصوصیت، کم گذاردن در خدمات را نیز فراگیرد، فی المثل اگر کارگر و کارمندی چیزی از وقت خود را بدزد در ردیف «مطفین» و کم فروشانی است که آیات این سوره، سخت آنها را نکوهش کرده است.

بعضی می خواهند برای آیه توسعه‌ی بیشتری قائل شوند و هرگونه تجاوز از حدود الهی و کم و کسر گذاشتن در روابط اجتماعی و اخلاقی را مشمول آن بدانند، گرچه استفاده‌ی این معنی از الفاظ آیه روشن نیست، ولی بی تناسب هم نمی باشد.

در آیات قرآن مجید مکرراً از کم فروشی نکوهش شده، گاه در داستان شعیب (علیه السلام) در آنجا که قوم را مخاطب ساخته، می گوید: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ* وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ* وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ*». حق پیمان را ادا کنید و دیگران را به خسارت میفکنید، با ترازوی صحیح وزن کنید، و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین

فساد نکنید. (شعراء، آیات ۱۸۱-۱۸۳)

و به این ترتیب کم فروشی و ترک عدالت به هنگام پیمان‌ه و وزن را در ردیف فساد در زمین
شمرده است، و این خود دلیلی بر ابعاد مفساد اجتماعی این کار است.

و نیز رعایت عدالت در وزن را هم ردیف عدالت در نظام آفرینش در عالم جهان هستی گذارده،
می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ *» خداوند آسمان را برافراشت و
میزان و حساب در همه چیز گذاشت تا شما در وزن و حساب طغیان نکنید. (الرحمن، آیات ۷ و ۸)
اشاره به اینکه مسئله‌ی رعایت عدل در سنجش مسئله‌ی کوچک و کم اهمیتی نیست، بلکه در
حقیقت جزئی از اصل عدالت و نظم کلی حاکم بر سراسر عالم هستی است.

در روایات اسلامی، در آداب تجارت آمده است که مؤمنان بهتر است به هنگام پیمان‌ه و وزن
کمی بیشتر بدهند و به هنگام گرفتن حق خود کمی کمتر بگیرند [درست بر عکس کار کسانی که
در آیات فوق به آنها اشاره شده است که حق خود را به طور کامل می‌گیرند و حق دیگران را به
طور ناقص می‌پردازند]. آنچه از روایات بر می‌آید، آن است که کم فروشی، مایه‌ی استثمار و
فسادانگیزی در جامعه است، و افزون بر گناه کبیره بودن، کیفر دنیوی آن به شکل قحطی و
خشکسالی بروز می‌کند.

مخصوصاً کم فروشی سرمایه‌ اعتماد و اطمینان را که رکن مهم مبادلات است از بین می‌برد و
نظام اقتصادی را به هم می‌ریزد. بسیار جای تأسف است که گاه می‌بینیم غیرمسلمان در رعایت
این اصل از بعضی مسلمانان وظیفه ناشناس پیش قدم هستند و سعی می‌کنند اجناسشان را درست
با همان وزن و پیمان‌ه که روی آن نوشته‌اند بی‌کم و کاست به بازارهای جهان بفرستند و اعتماد
دیگران را جذب کنند، آری! آنها می‌دانند که اگر انسان اهل دنیا هم باشد راهش همین است که در
معامله خیانت نکند.

اما راجع به سوگند خوردن در معامله، که اگر دروغ باشد از کبائر است و اگر راست باشد، بی حرمتی به خداوند است چرا که برای کاری کم ارزش، نام خداوند تعالی برده شده؛ (غزالی، (۱۳۸۱) ج ۱، باب دوم) در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْمُتَّقِ سِلْعَتَهُ بِالْأَيْمَانِ» خداوند تبارک و تعالی از کسی که با سوگند یاد کردن کالای خود را به فروش رساند نفرت دارد. (محمدی ری شهری (۱۳۸۶) ج ۲، حدیث ۲۲۲۷)

و نیز امام علی (علیه السلام) می فرماید: «يا معشر السَّامِیَةِ، اقْلُوا الْإِيمَانَ، فَإِنَّهَا مَنَفَقَةٌ لِّلْسَلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِّلرَّيْحِ». ای جماعت دلال کمتر سوگند یاد کنید، زیرا (گرچه) این کار کالا را به فروش می رساند ولی سود (حقیقی) را می برد. (همان حدیث ۲۲۲۶)

سوگند در معامله، افزون بر آنکه استفاده ابزاری و تبلیغاتی از مقدسات است، تاثیر زیادی بر خریداران مومن و معتقد بر جای می گذارد، آن سان که اندیشه مخاطب را از تمرکز بر جنبه های کلیدی و محاسبه ی دقیق اطلاعات ارائه شده، باز می دارد.

بنابراین، اتخاذ شیوه هایی که با تاثیرات روانی، قدرت اندیشیدن و تصمیم گیری منطقی افراد را تضعیف می نماید، دروغ و مردود است. و از آنجا که این عملی مصداقی برای ظلم به بندگان خداوند است، در دین مقدس اسلام به شدت نکوهیده است.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَ تَذُوقُوا السُّوءَ...» قسم هایتان را میان خودتان دستاویز فریب مکنید که قدمی از پس استوار شدنش بلغزد و شما را به سزای بازماندنتان از راه خدا بدی رسد و عذابی بزرگ داشته باشید. (نحل، ۹۴)

آیه، از دغل گرفتن سوگند نهی می کند، بعد از آنکه از اصل سوگندشکنی نهی فرموده، چون خصوص دغل گرفتن مفسده ای اضافه بر سوگندشکنی دارد و لذا نهی مستقلی از آن کرد. جمله ی «وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا...» (همان، ۹۱) به مفسده ی اصل سوگند شکنی اشاره می کرد و این

آیه به مفسده‌ی دغل گرفتن آن و می فرماید: « این عمل باعث می شود شخصی بعد از ثبات قدم، مجدداً قدمش بلغزد و شما که او را دچار لغزش کرده اید و از راه خدا جلوگیری نمودید، طعم عذاب را بچشید و شما عذابی بزرگ دارید».

و این دو ملاک- به طوری که از ظاهر آنها پیداست- دو ملاک مختلف اند، یکی به منزله ی مقدمه برای دیگری است، همچنانکه خود سوگند شکنی مقدمه برای دغلی است، چون وقتی انسان به جهتی از جهات، سوگند خود را برای بار اول شکست، کم کم اهمیت آن از نظرش می رود و آماده ی نقص برای بار دوم و سوم می شود، تا آنجا که سوگند و سوگند شکنی را وسیله خدعه و خیانت هم قرار می دهد، و پس از یک بار و دو بار خیانت و دغل کاری، آن وقت سوگند را وسیله دغل کاری خود می سازد و با آن خدعه و خیانت نموده، مردم را فریب می دهد، مکر می کند، دروغ می گوید، دیگر هیچ باکی ندارد که چه می کند و چه می گوید و در آخر مجسمه‌ی فساد می گردد که به هرجا برود مجمع انسانی آنجا را فاسد می سازد و در راهی غیر راه خدا که فطرت سالم آن را ترسیم نموده قرار می گیرد. (طباطبایی (۱۳۸۸) جلد ۱۲، ص ۴۸۶)

آری، افراد بی بند و بار، از عنوان قسم، سود استفاده می کنند و از رهگذر سوگند دروغ، نام خداوند را در معرض هتک و بی اعتنائی قرار می دهند و به گمان خود، در زندگی و تجارت سود می برند، و حال آنکه همه در اصل، زیان است.

بر اثر سوگند خوردن در معامله، خریدار به فروشنده اعتماد می کند و پس از آشکار شدن دروغ بودن سوگند او و مشاهده ی محرومیت خویش، در اثر ناتوانی فکری مناسب در تحلیل نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، رنج محرومیت و مشکلات اقتصادی خود را به خداوند و دین نسبت می دهد و تا مرز کفر پیش می رود و خداوند را بانی ظلم به خویش می انگارد و از دین می گریزد.

سوگند دروغ خوردن باعث می شود که ابهام و درآمیختگی راست و نادرست، حق و باطل، سره و ناسره، ابهام و شفافیت، اتفاق بیفتد و چون که همه دنبال آن هستند که حقشان را با یک روش غیرطبیعی بگیرند، ناهنجاری ها در جامعه افزایش می یابد و به این ترتیب تناقض گویی ها و تشویش های فکری و ذهنی قوام و دوام جامعه را مورد تهدید قرار می دهد.

نتیجه :

در پایان می توان گفت که با بررسی منابع و کتب جمع آوری شده در راستای این مبحث به این نتیجه می رسیم که با توجه به این که آدمی به طور فطری موجودی منفعت طلب است و گریزان از ضرر و زیان؛ و اگر در مواردی حقیقت را هم پنهان می کند، هدفش دفع خسران و جلب منفعت است؛ پس اگر به زیان ها و ضررهایی که از راه دروغگویی وارد بر جامعه می شود آگاه شود و بداند که سود آن ناپایدار است رفته رفته از آن بیزاری خواهد جست.

فهرست منابع:

❖قرآن مجید

۱. امینی، علیرضا؛ آیتی، محمدرضا (۱۳۸۰) *فقه استدلالی (ترجمه تحریرالروضه فی شرح اللمعه)* (چاپ چهارم). ترجمه: مهدی دادمرزی، تهران: انتشارات: سپهر
۲. ایروانی، جواد (۱۳۹۰) *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و سنت* (چاپ دوم) مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳. ایروانی، جواد؛ دیگران (۱۳۸۷) *فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی*، مشهد: انتشارات: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴. جواد آملی، عبا... (۱۳۸۵) *تفسیر تسنیم*، قم: انتشارات اسراء.
۵. حجتی کرمانی، علی، *اسلام آئینی برای زندگی، بلایی بنام رشوه*، سایت نور مگز
۶. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۶) *الحیاه* (چاپ هشتم) ترجمه: احمد آرام، قم: انتشارات دلیل ما.
۷. دشتی، محمد، *نهج البلاغه*، انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین،
۸. روح ا...، زهرا، و اکرم نوری (۱۳۸۴) *پژوهش اقتصاد در قرآن*
۹. صدر، محمدباقر و محمد ابوالسعود (۱۳۵۰) *خطوط اساسی اقتصاد اسلامی*، ترجمه: عبدالصاحب یادگاری، تهران: انتشارات اتحاد.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸) *تفسیر المیزان* (چاپ بیست و هشتم) ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. عمید، حسن، *فرهنگ عمید* (چاپ دهم) تهران: انتشارات جاویدان.

۱۲. غزالی، محمد (۱۳۸۱) *کیمیای سعادت* (چاپ هشتم) تهران: انتشارات گنجینه.

۱۳. قدرتی، حسین علی، *رشوه خواری و پیامدهای آن*، سایت نور مگز

۱۴. قلی پور گیلانی، مسلم (۱۳۷۶) *تلخیص مکاسب* شیخ انصاری (ره)، انتشارات: مؤلف.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵) *اصول کافی* (چاپ سوم) ترجمه: محمدباقر کمره ای،

انتشارات: اسوه.

۱۶. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، تهران، نشر اسلامیه

۱۷. محمدی، علی (۱۳۸۱) *شرح مکاسب* (چاپ دوم) قم: انتشارات: دارالفکر.

۱۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶) *میزان الحکمه* (چاپ هشتم) ترجمه: حمیدرضا

شیخی، قم: انتشارات: دارالحديث.

۱۹. محمودیان، محمود (۱۳۸۳) *مدیریت تبلیغات*، تهران.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۰) *تفسیر نمونه* (چاپ بیست و سوم)

تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیه.

۲۱. ولی پور، محمدطاهری، *احتکار و مقابله با آن از دیدگاه روایات*، سایت نور مگز

۲۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۹) *عدالت اجتماعی*، قم: انتشارات: مؤسسه امام

المنتظر (عج).